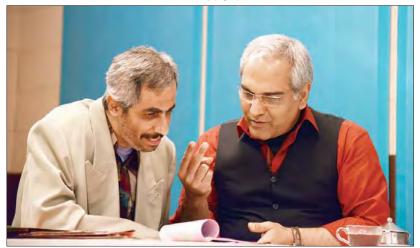
وقتى در هياهوى جنجال جامعه پزشكى ضعف هاى «در حاشيه» ديده نمى شود

# آقاىمديرى!حالسريالتانچطوراست؟



ـرے ـــــــــــه به ۱۰ سال پیش تاکنون درخصوص تمام آثاری که مدیری ساخته هم صدق می کنند بیایید برای بررســی این موضوء اها .ا: همه کمیبه عقب برگر دیم. دوران اوج مديرى چگونه شكل گرفت

اید حرف گزافی نباشداگر بگوییم نام سریال

نده دارد! مهسران مدیری نوروز ۹۴ درسست 

«درحاشیه» از معدود نامهایی در بین سریالهای تلویزیونی است که معنایش شباهت زیادی با محصول

بهبه وُ چهچَـه و انداختهشــدُنُ فرش قرمزُ زير پايش «درحاشــيه» را روانه آنتن تلويزيون كرد سريالي كه

هنوز قبل از شروع ساخت، در زمان تولید و حتی قبل مت با واکنش تند جامعه پزشکی

بواجه شده بودواز چندروز قبل از آن هم نظام پزشکی

کشور کمر به توقف پخش آن بسته وبایار کشی اهزار نفری از پزشکان برای اعتراض به پخش آن شرایطی

شبیه آنچه سال پیش برای «سرزمین کهن» رخ داد،

بس به وجود امده است. در ایس بین معمد روز نبوبیت مهران مدیری که یکی از افتخارات رسانه ملی بعد از انقلاب اسلامی به حساب می آید، بسیار بیشتر از پزشکانی است که همانند همه اصناف دیگر

و اصلاً هُمه جوامع، تشکیل شده از شخصیتهای مثبت و منفی است. البته برخی اظهار نظرهای رسمی

مدیران تلویز سون در حمایت از مدیری و دعوت از

که از قبل وعده ساختش را داده بسود، تمام و کمال

بیرامون سریال از سوی خیلیها-به عمدیاغیرعمد-

ورُدغُفلتُ واقع شُــُده، كيفيت خود سريال اسُت. در برر - حصورت مستقده میشید خود سریان مصادر این که همه مشاغل و جوامع خاص بومی در مواجهه با

مقوله کمدی و طنز -و حُتی مقوله های جدی تر - باید از ظرفیت بالایی بر خور دار باشند، جای شک وشبههای ت این که بد نشان دادن برخی شخصیتهای

سریالها - جز در موارد معدود و هدف گذاری شده

نر سطّح کلان-لُزومانشُاندهنده قَضاوت در خُصوص کل آن جامعه نیست، مسالهای اســت که از مدتها

یش در سطح سینما و تلویزیون جوامع پیشرفته

ب این از کی این در کردر این از کی داشت، «در حاشیه» بیشتر از هر چیز باید به آن توجه داشت،

ر کر از بیرانید کرد... بحث بی کیفیت بودن اثر تولید شده توسط مهران مدیری است. مساله ای که از ۴ سال پیش تاکنون

«لطفا کمربندها را ببندید» را برای مهدی مظلومی نوشت. نتیجه هر دو سـریال به گونهای رقم خورد که

در سسانی، طغرل و مهتاب در «پاورچین»، بامشاد در «نقطهچین»، کیانوش استقرار زاده در «شبهای

برره»،مسعود شــَصُتچی در «مُردُ هزار ُچهره» و بابا اتی و باباشاه در «قهوه تلخ» به عنوان پر سر وصداترین ها

كه البته كلى شخصيت محبوب ديگر هم مى توان به

آنهااضافه كرداينهاشخصيتهاييبهشد به حصر برسیه سخصینه سیی به سنت مهاوت و جذاب هستند که حتی اگر مدیری هر بار از یک بازیگر تکراری هم برای ایفای نقش آنها استفاده می کرد، باز نتیجه متفاوتی می گرفت. شخصیت هایی که باعث

ــرره» و «مــرد هــزار

۔ حقیقی و حقوقی از طیفھــای مخ

زُداماًنكتهای که در بین هٔیاهوی یکی، دو هفتهای

پزشــکان برای داشتن سا ی ""رر بحث جهت گیریهای ســریال، پخش این مجم متوقف نخواهد شــد و مدیری می تواند ۹۰ قس

در ابتدای دهه ۷۰ مهران مدیری بسرگ برنده حاشیهای بهنام «ساعتخوش» را رو کرد که فيلىها أنرامهم ترين تحول تلويزيسون درزمينه ظرفیت و پتانسیل بالایی برای خلق شخص دی می دانند. بعد از آن و تا سال های انتهایی دهه ۷۰ مدیری سـریالهایی سـاخت که هرکدام به لحاظ کیفی عقبنشـینی محسوسـی نسـبت به «ساعتخوش» داشتند. کار به جایی رسید که سریال هایی چون «۹۰ شـب»، «پلاک ۲۴» و «طنز ۰ ۸ُ» به شکستهایی تمامعیار تبدیل شدند و آنجاً بود که خیلیها مدیری را کار گردانی تمامشده تصور سی کردند. آن هم در ست زمانی که چهرههایی چون رضاعطـــاران، مهران غفوریان، مجید صالحی و چون رضاعطـــاران، مهران غفوریان، مجید صالحی و حتی ســیدجواد رضویان درحال رسیدن به روزهای اوجشان بودند اماناگهان او بسه برگجرنده جدیدی . بیمان قاسمخانی. نتیجه اولین همـکاری این دو نفر «پاورچین» بودامااین همکاری اولیه که پیشتر قرار بود در زمان ساخت «ببخشید شما» رخ دهد در مهتاب پاورچین را تداعی می کند. محمد رضا هدایتی هم زیر آن گریم ســنگین و حــر کات اغراق آمیزش 

ين دو بلافاصله بهسمت الی در الفاق الی می از گشتند. اتفاق خوشایندی کــه شحــهاش به ســاخت تعــدادی از موفق ترین سریالهای کمدی دهه از هــم این همــکاری

و شــکل حرفزدن دکتر فیزیوتراپ(لکپوریان) هم نارد. حتی طرز حرفزدن و برخوردهای پُر از تنش و ت هاله (شبنم فر شادجو) بسیار شبیه صحبی ... ... شخصیتی است که در آیتم زن و شوهر پیر مجموع «شـوخی کردم» به تصویر کشـیده بود. تنها جواد رضویان در نقش زهتاب اسـت که تاکنون توانسـته کمی متفاوت تر از قبل ظاهر شـود، آن هم به واسطه این که رضویان تَقریباً در تمام کارهایش نقش آدم مثبت و خنگ یا مثبت و تو سری خور را ایفا کرده و این جا شخصیتی فرصت طلب و قالتاق دارد که با تنها تکیه کلام «واس ماس» و «ماس ماس» و کمی هم لحن و لهجه خاصش توانسته کمی گلیم خود را

### حرکتدرمسیر آثار دورهمی!

لەضعف بعدى ســريال «در حاثا دیالوگهایی است که از زبان بازیگران گفته می شود. در اکثر سریالهای کمدی موفق جهان شخصیتها گ سَــاخته نمیشــوندبلکه ایــن دیالوگها نند که با توجه به مختصات هر شـخصیت به نگارش درمی آینگد. وقتی با چنین روشی دیالوگ برای هر شخصیت نوشته می شیود، گل درشت بودن

در این سریال تا این جاکه مدیری تقریبا همه برگ .ر وجود ندارند که بدیع و نو باشد، انگار همه، مخلوطی اُز هَمَان نقش آفرینی هایی هستند که یا خودشان یابازیگر دیگری قبل از آنها در کارهای مدیری بازی ت. با این تفاوت که غلظـت لودمبازی ها و ر هجوو هزلهاخیلی بیشــتر از کارهای قبلی مدیری در تلویزیون است.درحالی که تقریبا یکجین بازیگر شُناخُتهُشُده کمدی در این ســُریال حضور دارند و متنوع دارنداما جنس بازی ها و شـخصیت پر دازی ها به گونه ای اسـت که مخاطب ناخوداً گاه به یاد سری نوم و سوم محموعه «خندمازار» مر افتد شخصیت دكُتْرُ كَاشْف(مديري) چـه از لحاظ لحـن و چه از لحاظ حركات بدن مخلوطـــى أز بلوتوث كبير، فرهاد وبیژن جُمالی (مجموعه جایزهبزرگ) است فقط لباس دکتر تنش کرده و تکهپرانی می کند. هومن صحرایی (انصاری) هم یکنوع کیانوش استقرار زاده یانیمازند کریمی است بااین تفاوت که به دنیای امروز آمده و به جای ســرو کلهز دن بابررهای ها و اهالی دربار با یک سری شبعه کتر قالتاق مشکل پیدا می کنند دکتر بهروز عشقی (غفوریان) انگار همان متهم آیتم بازجویی در مجموعه «شــوخی کردم» اسـ که دکترای امحاو احشا گرفته؛ به جنس خندههاو مدل حرف زدن او دقت کنید. ماندانا (زکریا) شمایل

نسخه آرام تر و کمی جوان تر از «طغرل» را با درونمایه

سُتری کرد،هم در سینما و هم در تلویزیون،نگارش

از آب بیرون بکشد، فقط مُشخص نیست که این دو تکیه کلام چگونه قرار است ۹۰ قسمت جذابیت خود

قط مهران مديري متضرر شد. چراكه قاسمخاني از آخرین همکاریاش با مدیری روزبه روز پیشــرفت

با دیالوگ س برای هر شخصیت نوشته می شــود، گل در شتبودن آن دیالوگها کمتر به چشــم می خور د. مثلا اگر قرار

میشدند بازیگران مدام وجوه و تواناییهای جدیدی از خودشان بُروز ُدهند.این هُمان خُلاْ مهمی است که تا اینجا نقطهضعف مهم سریال «درحاشیه» است.

۔ خصی از زبار'، شــ

خصيتي گفته شـود، آن قدر

در بکارگیــری کلمههــا و جملهبنــدی نهایی دقت می شــود تا مخاطب کاملا احساس کند ویژگیهای

ین شخصیت باعث شده چنین دیالوگی بگویدنه

سر بال های بسیار موفقی جون «ساختمان بزشکان»،

«پژمان»، «مسافران» و «درد و پلیس» در کنار آثار سینمایی پرفروشی چون «ستن پترزبورگ»، «ورود آقایان ممنوع»و «طبقه حساس»به خوبی این مسأله وقتى همه كيي هاى ناقص خودشان مى شوند! بزرگترین ایراد مجموعه «درحاشیه» این است که آدمهای حاضر در آن دیگر خلاقیت مورد نیاز برای جذب مخاطب امــروز را-حداقل تــا اینجای کار-ندارند.چه نویسندگان و چه بازیگرانش.حتی به نظر می رسد خود مدیری هم به همین مشکل دچار شده است. کمی به شخصیت پر دازی کارهای موفق مدیری می رست موسدیری مهاب مسین مست بر ست. است. کمی به شخصیت پر دازی کارهای موفق مدیری در سال های اخیر دقت کنیم. داوود برره، یاسمن،

شبكههاى اجتماعى مختلف اعماز توييتر، فيس بوك ، وایبر است که البته سعی شده تا جای ممکن نسخه باستوریزه شدهای از آنها ارایه شـود تا خطر رد شدن و وايبر است كه البته از خطُقْرَمَزهای تلویزیونُ و ممیزی خوردنُ سَریال

ىجموعه بيشتر همان شوخى هاى كلامى وموقعيتى

دردبزر كى بهنام نداشتن نويسنده خلاق پــساز «مرددو هزار چهره»مدیری بهدلیل برخی اختلافات برای ســاخت پروژه بعدی اش از تلویز سون خداحافظه کرد و بااتکابه افتان تورسندگایی چون امبرمهدی زراد و و استایل الونسد - که تا پیش از این زیرنظر پیمان قاسـم خانی به عنوان یکی از اعضای تیم نویسـنده در مجموعهای مختلفی حضور داشتند-مجموعه «قیهوتلخ» از اوانه رسانه نویای نمایش خانگی مجموعه معتلفی معتلفی حضور اشتند مجموعه همهومتانی و ارزائد رسانه ویانی نمایش خدامی در کمجموعهای که اکارتفاق با این می است کنیری ها و ممیزی های فرایش از است از استان در مشور بمور توزیر و به نکار آشاندان این به را از قست مای میانی بدومی توانست جایگاهی بی نظیر در ساز اگر کنید این این ملک نک این آن و نشد در موجموعه «فیاری» و «فرخی کری» هم که باز با اس بر سنی ژو انو الوند برای شبکه نمایش خدانی نوشته شدند با وجود حضور برازان همیشگی مدیری و کمدین های مطرحی که بعد سال ها با او همکاری می کردند -از جمله رضا شیفیعی جیاسیدجواد رضوبان و مهران غفورسان - و همچنین آزادی عمل بیشتر و رضا شیفیعی جیاسیدجواد رضوبان و مهران غفورسان - و همچنین آزادی عمل بیشتر و خطقر مزهای کمتر در طراحی و اجرای شوخی ها - که بر گینده شبکه نمایش خانگی نسبت تا تامندون است: نند مُوفقیتی برای او به همراه بیاورند و اوضاع مدیری در اوایل دهه ۰۹ شبیه اواخر دهه هفتادش شد. همان زمان که دیگر نویسنده خلاقی مثل رضا عطاران را در کنار خود نمی دید و هنوز با قاسم خانی آ شنا نشده بود. البته با رعایت انصاف می توان گفت چند آیتم محدود از مجموعه «شوخی کردم» قابل قبول و خندهدار بودند اما فقط چند آیتم محدود ازجمله آیتُم بازجویی بابازی سام نوری ومهران غُفوریان. حالاً می رسیم به سریال «درحاشیه» جایی که مدیسری بدون توجه به دو تجربه ناموفق قبلی اش باز هم نگارش سسریال جدیدش را . حق اروله الوند و تیمشان سپرده است. این دو نویسسنده بارها وابراها در کارهای دیگرشان نشان دادهاند وقتی نویسنده دوم باشند، موفق ترند در بیشتر سریال های کمدی، افراد خلاقی وجود دارند که موقعیتهای طنز را به شکل کامل ترسیم می کنند، چه از لحاظ اتمسفر، لوکیشنها و مُوضوعاتُ و چه از لحاظ خُلق شـخصيتهاً در اين بين افراد ديگرى هم در تيم نويسندگان وجود دارند كه بهعنوان شوخي نويس ديالوگهاي آن موقعيتهاي كمدي رامي نويسند. ژوله و آلوند در زمینه شوخی نویسی دو نفر از بهترین ها هستند اما در خلق فضا، موقعیت ها و مهم تر از همه شخصیت پردازی بارها نشسان دادهاند که افراد توانایی نیستند. متاسفانه کارنامه کاری سالهای اخیر مر و نفر نشان می دهد مجموعه «قهوه تائی» تنها و تنها یک اتفاق استثنا بوده. از همان دست موفقیت هایی که ممکن است یک بار برای خیلی از نویسندگان رخ دهدو تداومی هم نداشته باشد از طرفی مدیری هم نشــان داده بیش از آن که خودش خلاق باشد، می تواند خلاقیتها را بهدرسُـــتّی مدیریت کندو به آنها بها دهد تا اُدهها هر اُنچه در چنته دارند، بر ایش رو کنند حالا گاهی آدمهایی که در این بیست و چندسال با آنها کار کرده، چند بعدی اند و مدام . توانندبیشتر و بیشتر خودشان رانشان دهند؛ مثل عطاران و قاسم خانی و گاه نمی توانندبیش



برای پخش بهحداقل برسد. تلقی نویس ر کی ... مجموعه از مشکلات و معضلات روز جامعه، تلقی دقیق و عمیقی نیست،درست برعکس آنچه مخاطب در مجموعه هایی مثل «شبهای برره» و «قهوه تلخ» یکبار تکیه کلاُمهای ظاهراً بامزهای که کار گردان یا نویسنده بهخاطر دارند را بدون هیچ گونه توجیه ... ر... منطقی، شخصیتی و حتی زیباشناســـانهای بهزور درقالب طنز ارایه کنـــد اگر بهخاطر داشتهباشــید، یکی از مهم ترین ایراداتی کــه منتقدان به مجموعه به خوربی می توانست آن را ببیند و همان لحظه دوزاری اش بیفتد بدون آن که مستقیم گویی خاصی ربرری نربین باشد، به عبارت دیگر، بسسیاری از مشکلاتی که نویسندگان مجموعه «درحاشیه» به آن اشاره سُوخیهای سه گانه «اخراجیها» می گرفتند، به سُوخیهای اس ام اسبی بود که به عنوان دیالوگ از می کنند، کاملا در سبت است و در بطین جامعه و زبان شخصیتهای اصلی آن سه گانه شنیده می شد سی حصہ حصر در سبب است و در پھلے جامعہ و حتی جامعہ پزشکان ھم قابل رؤیت است اما زبانی کہ آنھا برای بیان این مشکلات استفادہ می کنندہ بسیار ر. ت دیالوگها و شــوخیهایی که نه بــه حال وهوای اثر میخورد،نه به جنس آدمهای داستان اتفاقی کهمدل بر برص ہیں۔ سطحی و سےخیف است و همین مساله هم باعث میشودبیشتر از آن که مخالفان وموافقان درخصوص 

صل حرفهایی که این مجموعه می زند بحث کن يشتر به حاشيه هاى سريال مى پردازندو به جاى آن كه ... ر. .. کی ریان کی در در در . . کی ر مخاطب برای خندیدن امیدش به بخش های داستانی سریال باشد به چند دقیقه پشت صحنه ای است که در بخش ۲ دقیقه پشت صحنه در قسمتهای اول، ر کرد. لان به پخش بیش از ۸ دقیقه رسیده است. هر چند گاهی ممکن است مخاطب بادیدن بخش هایی از این پشتصحنههابرایش سوال پیش بیاید که چراعوامل پشتصحنه به فلان پلان این گونه می خندند و برای برای درست آن مجبورند چند بار کات بدهند ولی جرای درست آن مجبورند چند بار کات بدهند ولی نر اجرای نهایی آن پلان هیچ نکته خندهداری برایش ندار د. این همان مساله ای است که این روز ها در همه زمینههای هنری بر سر آن بحث و در گیری وجود دارد. محصولاتی که برخی منتقدان مستقل تر و نترس تر! به آنها آثار دورهمی می گویند. آثاری که به قول قدیمیها، خالقان و مجیز گویانشان تنها خود گویند و تنها خود خندند. عدم شــناخت مخاطب گستر ده تن این نکته که آنها این روزها بیشتر از ُهر زُمان دیگری به آثار باکیفیت جهانی در همه زمینه ها دُسترسی دارند باعث شده فعالان عرصههای هنری روز بهروز از سلیقه مدام بهروز شده مخاطب دور تر حتی) توانسته موجی از هیجان را در جامعه ایجاد چقدر از ۱۰ســال گذشــته، ۱۵سال گذشته یا . الُّ گذُشُته کمتر است.دلیلش خیلی ساده است. کارگردانان، نویسندگان و حتی بازیگران ایرانی تلاش نکردهاند سلیقه خود را با سلیقه به شدت جهت یافته



عدم نقدپذیری و ژستهای گاه روشنفکرانه و گاه مخاطبی جز دوستان و رفقاو شیفتگان هتعدادى لايك فيس بوكى ياكامنت هاى محبت آميز

مخاطب ایرانی همسو و هماهنگ کنند. آثاری

## بهستاگرامی! آی**ادرد«درحاشیه»بی پولی است**؟ \* امحدداردکهمی

درادبیات ایران ضرب المثلی وجود دار د که می گوید: «هر چقدر پول بدهی همان قــدر آش می خوری» با سر پستر بوری نگاهی به آثار با کیفیت مهران مدیری می بینیم که او هر گاه از لحاظ مالی توانسته به آنچه مدنظرش بوده برسد، نتیجه کاری که تحویل داده کاملا قابل قبول ده، مثل «شــبهای بــرره»، «مرد هــزار چهره» وده عند البته ایرج طهماسـب هم در این سال ها نشــان داده از این جهات خیلی شبیه مدیری است. هر سال نزدیک عید که می شود، تیم سازنده مجموعه «کلاه قرمزی» برای همکاری مجـدد رقمی را اعلام مىكندكه تا چندوقت مورد بحث مديران ی و رسانه هاست. طهماسب و تیمش هیچ گاه از مبلغی که می خواهند، پایین تر نمکی آیند ولی در عوض کاری راتحویل تلویزیون می دهند کهاز نظر میزان مخاطب و رضایتمندیاش همیشه درصدر برنامههای نوروز قرار می گیر دو تاامروز همبرچسب تکراری بودن یانداشتن بت به آن نخور ده نه از سوی مخاطبان ، نه از سوی ر کرای در در این در این در در این در دان بااین در سانههاو نه حتی از سوی خود مدیران سازمان. بااین حال بهنظر می رســدمجموعه «در حاشیه» بیشتر از

بأشد و آدمهای دور و اطرافش کار نابلدتر یا مُبتدی تر ، قدرت تمرکز مدیری برای ارایه یک اثر منسجم کمتر و کمتر می شود. مطمئنا جمع کردن آدمهای کاربلد در هر زمینهای نیاز به داشتن بودجه کافی دارد. آدمی ر را را با دارست، بالطبع انتظار دارد پول خوبی هم دریافت کند، چه نویسنده باشد، چه بازیگر و چه هركداًماز عوامل فني. ولّى احتمالا شرايط مالّى سُريال اسب است که مدیری مجبور شده از چهرههایی که کمتربرایش هزینه برهستند اُستفاده کُند تَعدادی از بازیگران جوان کـه احتمالا یا دستمزد ندارند یا دُستَمزدهای بُسیار پایینی دارندوآنتن تلویزیون شاید ننها کورسوی امیدشان برای دیده شدن باشد، تعدادی تنهاکورسوی امیدشان برای دیده شدن باشد، تعدادی از بازیگران درجه چند و همراهان همیشگی اش که ىتند، تعدادى از بازيگرانى كەدر اين سالهاافول جُدى كردهاندو حاَضُرندَبراى ديده، مجددو كسب اعتبار از دست رفته شان بين مردم آن هم زیر ُلوای کاری از مُدیری بــُه حداقل ندگان ارزان و کوچکی که به جز ر رمینه کمدی از استعداد خوبی بهرهمند نیستنده یا لااقل کسی نتوانسته بهدرستی از خلاقیتی که دارند. استفاده کند در این شـرایط که همهچیز حداقلی است، قاعدتا نبايد انتظار داشت كه كارى فوقَ العاده از ست: دهده به استعار داست به دری توی مده در سوی تیم مدیری تقدیم مخاطبان شود. البته این وسط تا حدودی تلویزیون هم مقصر است. ریاست جدید سازمان بااین که نیاز مفرطی داشت تابابر گرداندن یک چهره بسیار محبوب مثل مدیری و حمایت کامل از او پ ۱٬۰۰۱ مرکز ۱٬۰۰۰ مرکز ۱٬۰۰۰ میران شانس خود را برای باز گرداندن عده زیادی از مخاطبان که این روزها جذب شــبکههای ماهوارهای شــدهاند، بیشتر کنداما با توجه به اوضاع و احوال خراب مالی و بیشتر کنداما با توجه به اوضاع و احوال خراب مالی و بدهکاری های سر به فلک گذاشته تلویزیون، احتمالا ىتە تلويزيون، اح ردردی مدیریت سازمان نتوانسته از لحاظ مالی شرایط کاملا . بی را فراهم کند. چراکه تجربه ثا است اگر مدیری بودجه خوبی برای ساخت یک سریال داشته باشد، حاضر نشود از چهرههای مطمئن و کاربلد در همه زمینه هااستفاده کند. خب این اتفاق ظاهر ابرای «رحاشیه» رخ نداده و نتیجه اش اثری شده که تا امروز عقب گردی بزرگ برای کار گردانی اسست که پس از ۶ سال باهزار سلام وصلوات به تلويزيون باز گشته اس بُرگ برنُده باقی مانده بُرای مُدیری در پایسان ذکر این نکته لازم اسست که در فرهنگ

تمام سریالهایی که تا امروز مدیری برای تلویزیون

ساخته، دچاراین کمبودبودجه بوده یاامیدواریم نتیجه بد کار به این علت باشــد در این سریال همه چیز در

نقر يباهمه; مينههاحداقلي است.مثلاطراحي صحنه

يمُارستان وُ خَانههای هر کدام از شخصيتُ های اصلی بیام طراحی لباس شـخصیتها را با کارهای قبلی ه س حر حی . مدیری مقایسه کنید مدیری در کارهای قبلیاش از

سرات طراح صحنه و لباس خلاقـــی چُون فُروزان جلیلی فر استُفاده می کُرداما این بار خودشُ کار طُراحی صحنهُ ولباس رابرعهده گرفته است. هرچه کار مدیری بیشتر

برخوردهای اجتماعی و سیاسی سالهای اخیر معمولا مردم بین شخصیت محبوب خودشان و معترضان دولتی طرف شخصیت مُحبوب ُخودشاّنُ را می گیرند. حتی اگر کاری که ارایه می کند، چندان بابميل أنها نباشد چراكه احساس مى كنند دیدن چهردهای محبوبی که با آنها نوستالژیهای خوبی دارند، بهتر از ندیدنشان است. در این سالها تلویزیون آنقدر چهرههای محبوب تربیت کرده و مدتی بعد خودش آنهارا حذف کرده که مخاطب به مطالبات حداقلی هم راضی شده. با این حال در بحث حاشیه های ایجاد شده برای سریال «در حاشیه» مے تبوان نوع جالیے از باز خور دھا – کے روز بہ روز یی کری کی در کی کرد کرد بیشتر هم میشود – را مشــاهده کرد. بازخوردهایی که مخاطب از طرفی به رفتــار و برخوردهای جامعه بزشكان معترض اسبت و آنها را به سعه صدر بیشتر

مدیری هیچ شباهتی با . ترك ... آثار موفق قبلىاش ندارد البته اين مواضع متعلق به مخاطبان معتدل تراست وگرنه طرفداران افراطی مدیــری «درحاشــیه» مديسرى مىدانن شاید تنها علتی که باعث قاطع از شکست سریال

گفت این است که در یک دهه گذش بار دیگر هم در چنیــُن موقعیتهایی قرار گرفُته وباً تصمیمهای دقیق و بهموقع نه تنها ســریال هایش را نجات داده بلکه آنها را تبدیل به آثار مخاطبی کرده است. بار اول در مجموعه «پاورچین» بود که پس از پخش چند قسمت که واکنشهای منفی زیادی ز ســوی مخاطبان به همراه داشت، ناگهان با تغییر ىير داسستان واضافه كردن شخصيت هايى چون داوود برره، سپهر و یاسمن سریال نجات پیدا کر دو بار دوم هم زمانی بود که مدیری دید پس از ساخت چند طهچین» با محوریت کارگاه پشندی، بازهم سريال مورد اقبال قرار نگُرفته و با اضافه كردن تهایی چون کوروش، ددی، منیژه، باه پهن فر و مژده سریال را از مُسیر اولیهاش ُدور کرد و سریال توانست مخاطب خوبی به دست آورد امانکته مهم این جاست که در هر دوبار مدیری از داشتن چهره خلاقی چون پیمان قاسم خانی سود می برد، بار اول که قاسم خانی خودش نویسنده بود و بار دوم هم با این که سروش صحت این وظیفه را برعهده داشت. قاسمخانی با برگزاری چند جلسـه و نهایتا نوشتن تكقسمتي كهمسير داستان سريال راعوض مي كند، توانست مدیری رااز یک شکست دیگر نجات ه همین جهت فقط می توان امیدوار بود این بار هم فرد خارقی مثل قاسمخانی پیدا شود و بتواند مدیری را از یکشکست دیگر نجات دهد.